

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸، ویژه تاریخ اسلام

دیدگاه علامه امینی(ره) به مباحث فلسفه نظری تاریخ در الغدیر

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۰۸/۱۲

خدیجه دهقان آلاق*

چکیده

علامه امینی(ره) از علمای بزرگ شیعه در قرن (۱۴ ه.ق) می‌باشد که تحقیقات دامنه‌داری انجام داده است؛ و به اصل ولایت و امامت و محوری بودن آن دست یافت. او محقق است که بعدها حقایقی را از تاریخ خاک گرفته بیرون کشید و موجب روشنی تاریخ و چراغ هدایت همگان گردید. در دیدگاه علامه امینی(ره) به فلسفه نظری، تاریخ موجب قیام در مقابل باطل و دفاع از حق و حقیقت می‌شود که به سوی کمال بشری حرکت می‌کند. وی آغاز و منشأ خلقت و تاریخ را الهی و سیر حرکت تاریخ را به سوی منشأ الهی و دارای مبدأ و معاد می‌داند. به نظر ایشان مالک حقیقی در جهان خداوند است که تاریخ را تحت مشیت خویش هدایت می‌کند و آنچه را که در تاریخ باید ماندگار شود، موردعنايت قرار می‌گیرد تا همچنان باقی بماند. ایشان دین، مذهب و نواغ را در تاریخ بسیار اثرگذار می‌داند.

واژه‌های کلیدی: علامه امینی(ره)، فلسفه تاریخ، فلسفه نظری تاریخ، مسیر حرکت تاریخ، عوامل مؤثر.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

عالمان بزرگ اسلامی پس از سال‌ها بحث و پژوهش به تألیف آثار ارزشمندی پرداخته‌اند که با غور و بررسی در متن آثار آن‌ها می‌توان به گوشه‌ای از اندیشه و دیدگاهشان نسبت به مباحث علمی دست یافت. در این تحقیق دیدگاه علامه امینی (ره) به برخی مسائل فلسفه نظری تاریخ با توجه به اثر مهم الغدیر پرداخته می‌شود و در ابتدا به خلاصه‌ای از زندگی‌نامه ایشان بسنده می‌شود.



جایگاه اجتماعی علامه امینی(ره)

علامه امینی(ره)؛ محدث، فیلسوف، متکلم، فقیه، مورخ، نسخه‌شناس و از علمای بزرگ شیعه در قرن (۱۴ ه.ق) می‌باشد که تحقیقات دامنه‌داری انجام داده است. او درصدد بود تا فلسفه سیاسی اسلام را برای مردم کوچه و بازار هم قابل فهم نماید.^۱ علامه امینی(ره) با آشنایی به مکتب سیاسی آیه^۲ الله نائینی به اصل ولایت و امامت و محوری بودن آن دست یافت و با جمع آیات و روایات در این مورد، مقدمات تألیف گران قدر خویش «الغدیر» را فراهم آورد.^۲

ولادت علامه امینی(ره)

عبدالحسین امینی (نجفی)، مشهور به علامه امینی(ره) در سال (۱۳۲۰ ه.ق) در شهر تبریز، هنگام اذان صبح دیده به جهان گشود. او در فضای پاکیزه و معنوی و در یک مکتبی که مملو از علم و تقوا بود، دوران کودکی را سپری کرد. در دوران کودکی از پدر خویش میرزا احمد که از دانشمندان نامی تبریز بود، بازی کودکانه‌ای یاد گرفت که بانام امام علی علیه السلام عجین شده بود و هرروز با همین بازی با کودکان سرگرم شده و کم‌کم عشق حضرت علی علیه السلام در قلبش جای می‌گرفت^۳ و با گذر زمان، محقق شد که حقایق را از تاریخ خاک گرفته بیرون کشید و موجب روشنی تاریخ و چراغ هدایت همگان گردید.

تحصیلات علامه امینی(ره)

شیخ عبدالحسین مقدمات علوم را در محضر پدرش شیخ میرزا احمد امینی - از علمای مشهور به زهد و تقوی در تبریز - فراگرفت. پدر درس‌ها را مثل «الفیه ابن مالک»

۱. مهدی لطفی، علامه امینی جرعه نوش غدیر، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. علیرضا سید کباری، علامه امینی (مصلح نستوه)، چاپ اول، [بی‌جا]، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۲. ص ۱۶ و ۱۷.

با اشعار به او آموزش می‌داد، اشعاری هم از بزرگان دین حفظ می‌کرد. اولین شعری که پدر او را به آموختن آن تشویق کرد، شعری از حضرت علی علیه السلام بود که حضرت خود را معرفی کردند: در بیت اول می‌فرمایند:^۱

محمدُ النَّبِيُّ آخِي وَصِنْوِي وَحِمْرَةُ سَيِّدَةِ الشَّهَدَاءِ عَمِي.^۲

از دوران نوجوانی، قرآن و نهج‌البلاغه دو کتاب گران‌قدر برای او بود. بارها این دو کتاب را مطالعه کرده و در معانی آن دقیق شده بود. گاهی از پدر فاضل خویش معنی آیه‌ای را می‌پرسید و پدر با حوصله تمام به تفسیر آن می‌نشست. آثار نبوغ از کودکی در او مشاهده می‌شد، اعمال و حرکات او مثل سایر بچه‌ها نبود و به خاطر این استعداد و ذوق سرشار، تحصیلات مقدماتی نتوانست پاسخگوی ایشان باشد، لذا برای تکمیل دروس وارد مدرسه طالبیه تبریز شد و مقدمات و سطوح فقه و اصول را فراگرفت.

سفر علامه امینی(ره) به نجف

علامه امینی(ره) پس از تکمیل سطوح در تبریز در سال (۱۳۴۲ق.ه) برای تکمیل دروس خود و کسب معنویات و کمالات از محضر ائمه طاهرين علیهم السلام راهی عتبات عالیات شد. در نجف اشرف - دروازه شهر علم رسول الله - ساکن شد و از علمای نجف؛ فقه، اصول و کلام را دریافت کرد. اساتید علامه(ره) در نجف عبارت‌اند از:

۱- آیت‌الله سید محمدباقر حسینی فیروزآبادی (م ۱۳۴۵ ق.ه) که از بزرگان علماء شیعه و مراجع تقلید عصر خود بود.

۱. سید کباری، علامه امینی؛ مهدی لطفی، علامه امینی جرعه نوش غدیر (به‌ضمیمه جرعه‌هایی از غدیر)، چاپ سوم، قم، انصاری، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۰۶.

۲. مهدی لطفی، علامه امینی جرعه نوش غدیر، ص ۱۰۶؛ عبدالحسین امینی، الغدیر (ترجمه، ویرایش قدیم)، محمدتقی واحدی و همکاران، ۲۲ ج، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا]. ج ۳، ص ۴۳ و ۴۴.

۲- آیت‌الله سیدابوتراب خوانساری (م ۱۳۶۴ ه.ق) که از فحول علمای عصر خود، فقیه اصولی، رجالی، جامع معقول و منقول بود و در علوم حساب، جغرافیا، ریاضیات و هندسه هم تبحر داشت و فردی عابد، زاهد، کریم النفس و اهل عبادت بود.

۳- میرزا علی ایروانی.

۴- آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی (۱۳۵۸ ه.ق).^۱

علامه امینی(ره) پس از تکمیل تحصیلات به وطن بازگشت و راهی تبریز شد، در این شهر به ارشاد و مطالعه پرداخت و مشغول تألیف «تفسیر فاتحه‌الکتاب» می‌شود. در تبریز ازدواج کرده و بعد از حدود دو سال اقامت در وطن خود، دوباره به نجف اشرف بازمی‌گردد.^۲

شیخ عبدالحسین امینی بیش از سی‌وسه سال ندارد که با القابی چون «العلامة البارع»، «علم‌الیقین»، «جمال‌المله والدین»، «...انه من افذاذ الدهر و حسنات العصر و رجال‌الامه» ستایش می‌شود.^۳ از جمله صفات بارز ایشان اراده پولادین او بود که همه مشکلات را در برابر او سهل و ناچیز کرده بود. در اثر این اراده و همت بود که کار یک ملت را کرد، مرحوم آیت‌الله سید عبد‌الهادی شیرازی در نامه‌اش می‌نویسد: اگر ما از نزدیک وضع علامه را مشاهده نکرده بودیم که او به تنهایی به تألیف چنین کتابی قیام کرده، تصور می‌کردیم که کتاب الغدیر تألیف یک جمعیت علمی است که هرکدام به نوشتن قسمتی از آن پرداخته‌اند.^۴ همچنین شجاعت یکی دیگر از اخلاق حسنه علامه(ره) بود که محبوب مخلوق و خالق است.^۵

۱. مهدی لطفی، علامه امینی جرعه نوش الغدیر، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. علیرضا سید کباری، علامه امینی، ص ۵۷.

۴. همان، ص ۴۸.

۵. همان، ص ۴۳.

نگاه علامه امینی(ره) به مباحث فلسفه نظری تاریخ

فلسفه تاریخ

فلسفه تاریخ^۱ به دوشاخه اصلی فلسفه نظری تاریخ^۲ و فلسفه انتقادی^۳ تاریخ تقسیم می‌شود.^۴ فلسفه تاریخ به‌عنوان واقعیت بیرونی، فلسفه نظری تاریخ نام دارد.^۵ فیلسوفان نظری در پی کشف و ارائه الگوهای عام یا قوانین بنیادین حاکم بر سیر تحول تاریخ هستند.^۶ فلسفه تاریخ به معنای علم تاریخ، فلسفه انتقادی تاریخ نام دارد.^۷ فلسفه انتقادی، معرفتی درجه دوم است که درباره معرفت تاریخی و آنچه که در نتیجه ارتباط متقابل و برداشت مورخان با واقعیت‌های تاریخی حاصل می‌شود به مطالعه می‌پردازد.^۸ فلسفه انتقادی تاریخ، تحلیل فلسفی تاریخ‌نگاری است که به توصیف و تبیین منطقی عقلانی و معرفت‌شناسی آنچه مورخان انجام می‌دهند، می‌پردازد.^۹ فلسفه انتقادی تاریخ به مسائلی مانند تبیین تاریخی، روش‌شناسی، عینیت، علمیت، ارزش‌داوری و علیت در تاریخ می‌پردازد. فلسفه نظری تاریخ که در پی یافتن معنا و غایت تاریخ است، به حوزه مابعدالطبیعی تعلق دارد. فلسفه نظری تاریخ ناظر بر پژوهش در باب سیر گذشته

۱. Philosophy of history.

۲. Sepeculative philosophy of history.

۳. Critical philosophy of history.

۴. محسن الویری، مقاله پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ، ص ۵۸.

۵. مجید کافی، فلسفه نظری تاریخ (مفاهیم و نظریه‌ها)، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، زمستان ۱۳۹۳ ش. ص ۸.

۶. سید ابوالفضل رضوی، فلسفه انتقادی تاریخ، ص ۳۶.

۷. مجید کافی، فلسفه نظری تاریخ، ص ۸.

۸. سید ابوالفضل رضوی، فلسفه انتقادی تاریخ، ص ۴۸.

۹. پل ادواردز، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات از دائره‌المعارف فلسفه)، بهزاد سالکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی

و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۳.

پدیده‌های تاریخی و قانون‌مندی آن‌هاست. فیلسوف تاریخ در فلسفه نظری تاریخ درصدد فهم معنا و هدف تاریخ، محرک و مکانیسم حرکت تاریخ، آغاز و انجام تاریخ است.^۱ در این مقاله مباحث اهمیت و کارکرد تاریخ، مسیر حرکت تاریخ، نقش خدا در تاریخ، عوامل مؤثر بر تاریخ و نقش انسان در تاریخ که در فلسفه نظری تاریخ مطرح است، در دیدگاه علامه امینی(ره) بررسی می‌شود.

اهمیت، کارکرد و هدف تاریخ

اهمیت و کارکرد تاریخ به شکل تحول نگاه به تاریخ به صورت عمیق‌تر و فلسفه تاریخی^۲ و همه‌پسندی تاریخ، گسترش حوزه تاریخی، پیشرفت بیشتر و ظریف‌تر در تاریخ‌نگاری^۳ و شکل علی^۴ مطرح شده است. در هدف تاریخ، بهتر شدن حیات آدمیان در زمان حال، کمال بشری و احیاء گذشته^۵ بیان شده است.

علامه امینی(ره) درباره اهمیت تاریخ، در مقدمه کتاب الغدیر می‌نویسد: «اهل بحث و تحقیق در هر رشته از علوم و فنون که وارد شوند، ارتباط و تماس آن را با تاریخ درک نموده و معترف خواهند بود که بدون غور در تاریخ به مقصود نخواهند رسید».^۶ به نظر علامه(ره) یک قضیه تاریخی می‌تواند پایه‌گذار مذهب میلیون‌ها انسان قرار گیرد. برای

۱. حسینعلی نودری، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹، صص ۲۴ - ۲۵؛ عبدالکریم سروش، فلسفه تاریخ، چاپ اول، [بی‌جا]، انتشارات حکمت، ۱۳۵۷ ش. صص ۷-۸.
۲. یکی از دلایل اهمیت تاریخ، فلسفه تاریخ است پس اهمیت تاریخ به همه مباحثی که در فلسفه نظری و فلسفه انتقادی تاریخ مطرح می‌شود هم برمی‌گردد.
۳. استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۱۵.
۴. سی. بی. ین مکالا، بنیادهای علم تاریخ، ص ۷۵.
۵. مطهری، فلسفه تاریخ، ج ۱۵، مجموعه آثار شهید مطهری، ص ۴۰.
۶. عبدالحسین امینی، الغدیر (ترجمه و ویرایش جدید)، محمدتقی واحدی، ج ۱، ص ۶۱

نمونه می‌فرماید: قضیه تاریخی غدیر خم زیربنای مذهب میلیون‌ها انسان است که از آثار خاندان پیغمبر اسلام ﷺ پیروی می‌نمایند.^۱

در اندیشه آن عالم وارسته در اهمیت تاریخ که از کارکردهای تاریخ نیز هست، یک کتاب تاریخی می‌تواند بایان قضایای تاریخی، باهدف یاری‌رساندن به دین و اعلاای کلمه حق و تجدید بهترین و مهم‌ترین خاطره تاریخ اسلام و پدید آوردن یک زندگی نوین و بافروغ برای ملل مسلمان، همچنین از باب ابراز خلوص و ارادت به ساحت مقدس صاحب‌ولایت مطلق در اختیار ارباب دانش و بینش گذارده شود.^۲

کارکرد دیگر تاریخ در نگاه ایشان آن است که تاریخ می‌تواند به بهتر شدن حیات آدمیان در زمان حال کمک کند. برای نمونه، در مورد زنده نگه‌داشتن امر تاریخی مانند روز تاریخی غدیر خم بیان می‌کند: موجب می‌شود، همه‌ساله در روز و شب آن، مجامع و محافل جشن و سرور تشکیل شود و مراسم بندگی خدا و ابراز خشوع به درگاه احدیت اجرا گردد و بذل و بخشش و نیکی به دیگران، عنایت به حال ناتوانان و مستمندان، وسعت دادن به زندگی، پوشش لباس‌های نو و خودآرایی موردتوجه و عمل قرار گیرد و در اثر اجرای این تشریفات و تظاهرات در میان مردم که توجه عموم طبقات به طرف یک وضع نوین و منظره جالب، معطوف می‌گردد و این وضع، بی‌خبران را به تفحص و پرسش علل و موجبات آن وامی‌دارد و به تجسس از روایت آن منجر می‌شود. در نتیجه، دانایان به بیان روایات متواتر درباره این امر خطیر اهتمام می‌ورزند و گویندگان و سرایندگان به ایراد خطابه و انشاء قصاید و منظومات می‌پردازند.^۳ همه این‌ها موجب پدید آمدن یک زندگی نوین و بافروغ برای ملل مسلمان می‌شود.^۴ از گذشته نیز امام اسلامی در شرق و غرب

۱. همان، ص ۶۶

۲. همان، ص ۵۸

۳. همان، ص ۴۵۹

۴. همان، ص ۵۸

جهان بر این عید توافق دارند و مردم مصر و مغرب و عراق از قرون گذشته به این روز عید بزرگ، توجه و اعتنا داشتند و در آن روز، نماز و دعا می‌خواندند و به ایراد خطبه و انشاء شعر می‌پرداختند، چنانکه در آثار بزرگان دین مذکور است.^۱ این امور می‌تواند مایه وحدت اسلامی بین امت‌های مسلمان گردد. همه این موارد از کارکردهای تاریخ می‌باشد.

در اندیشه علامه(ره) از کارکردهای دیگر تاریخ، کاربرد آن در خودشناسی انسان است^۲ و موجب قیام انسان در مقابل باطل و دفاع از حق می‌گردد، به‌عنوان مثال می‌فرماید: «از تاریخ زندگانی سبط فداکار پیامبر ﷺ می‌آموزیم؛ وجوب قیام در مقابل هر باطل و پشتیبانی و دفاع از هر حقی و نیز لزوم قیام برای برپاداشتن اساس دین، نشر تعالیم و اخلاق فاضله آن است».^۳

بنابراین از اندیشه علامه امینی(ره) درباره کارکرد و هدف تاریخ، مباحثی را می‌توان دریافت که بسیار متعالی است و به نظر ایشان، تاریخ موجب رفتن به سوی تکامل و کمال بشری می‌شود و تاریخ معنی و هدف دارد.

در اندیشه علامه امینی(ره)، تاریخ می‌تواند هم کارکرد و هدف صعودی داشته باشد و هم می‌تواند هدف و کارکرد سقوط را در پیش گیرد. آنچه که در تاریخ مهم است آن است که تاریخ جز ثبت حقایق و امور واقعی، هدفی دیگر را دنبال نکند، بازیچه اغراض گوناگون قرار نگیرد و تحت تأثیر تمایلات و مقاصد مغرضانه و خودخواهانه گروه خاصی، صورت تدوین نپذیرد.^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲. کالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، ص ۱۸.

۳. عبدالحسین امینی، الغدیر (ترجمه و ویرایش جدید)، ج ۳، صص ۳۶۷-۳۶۸.

۴. همان، ص ۶۱.

مسیر حرکت تاریخ

درباره مسیر حرکت تاریخ، نظریه پردازان در فلسفه نظری تاریخ، نظراتی را مطرح کرده‌اند. دو نگرش لاهوتی و ناسوتی به تاریخ، وجود دارد.^۱ بنابراین برخی از مسیره‌های تاریخ، جلوه‌های متوالی اندیشه مطلق است. در مسیر حرکت تاریخ؛ مراحل مختلف ادوار برده‌داری، فئودالی، بورژوازی و... است. نظریه دیگری می‌گوید: تاریخ جهان، توالی طلوع و افول تمدن‌هاست.^۲ همچنین نظریه ادواری بودن یا حرکت دوری تاریخ، تکرار تاریخ، حرکت خطی، حرکت دوری-خط (مارپیچی یا فنری) نیز در این بحث مطرح شده است.^۳

علامه امینی(ره) مسیر حرکت تاریخ را به صورت حرکت خطی نگریسته که نگرشی و حیانی و خطی به حرکت تاریخ است و نوعی اعتقاد به مبدأ و سرانجام به معنای خلقت و معاد به معنای روز حساب - اعم از مجازات و پاداش - آن را همراهی می‌کند.^۴ نگرش لاهوتی به معنای اینکه، همه کائنات به سوی منشأ الهی و لاهوتی سیر می‌کنند و دارای هدف و معنا هستند.^۵ به سوی منشأ الهی سیر می‌کنند و آن را دارای مبدأ و معاد و هدف می‌داند. در مقدمه الغدیر می‌فرماید: «حمد و ستایش خدای را که مالک حقیقی اوست.»^۶ که دلیل بر اعتقاد ایشان بر منشأ الهی بودن خلقت و تاریخ است. در شعری که از شیخ ابراهیم بلادی آورده، در آن حمد و ستایش خداوندی است که همه مخلوقات را آفریده و به معاد اشاره می‌شود.^۷ به نظر

۱. مجید کافی، فلسفه نظری تاریخ، ص ۴

۲. عبدالکریم سروش، فلسفه تاریخ، صص ۲۰-۱۲

۳. مجید کافی، فلسفه نظری تاریخ، صص ۶۵-۵۸؛ رضوی، فلسفه انتقادی تاریخ، ص ۴۴

۴. مجید کافی، فلسفه نظری تاریخ، ص ۶۵

۵. همان، ص ۴.

۶. عبدالحسین احمد الامینی النجفی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب، ج ۱، چاپ اول، قم، مرکز الغدیر للدراسات

الإسلامیة، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۹؛ عبدالحسین امینی، الغدیر (ترجمه، ویرایش جدید)، ج ۱، ص ۵۷.

۷. همان، ج ۱۱، ص ۵۳۹.

ایشان واقعه تاریخی غدیر خم، داستان دعوت خدایی و داستان ولایت کبری است، داستان آراستن و کامل ساختن دین، تمام نمودن نعمت و خشنودی پروردگار است.^۱

نقش خدا در تاریخ

«سنت‌های الهی» در تدبیر جوامع؛ سنت، راه و رسم، روش، رفتار و شیوه‌ای است که استمرار داشته باشد.^۲ «سنت‌های الهی» به معنای صادر شدن فعلی به صورت مستقیم از سوی خداوند نیست بلکه ممکن است اسباب طبیعی و فوق طبیعی در کار باشد و درعین حال فعل به خدای متعال منسوب شود.^۳ سنت‌های الهی، هم شامل سنت‌های مطلق الهی که سنت هدایت توسط انبیاء و سنت آزمایش است، می‌شود و هم^۴ شامل سنت‌های مقید و مشروط که سنت امداد خدای متعال است و دودسته را فراهم می‌سازد. سنت‌های مقید و مشروطی که مخصوص اهل حق است^۵ و سنت‌های مقید و مشروطی که مخصوص اهل باطل است.^۶

علامه امینی(ره) نقش خدا در تاریخ را در مقدمه جلد اول کتاب الغدیر مشخص می‌کند که مالک حقیقی اوست.^۷ ایشان می‌فرمایند: «خدای متعال نسبت به نشر و اشتهاار کامل واقعه مهم (تاریخی غدیر) عنایت بسیار فرموده است تا حدیث غدیر پیوسته زبانزد همگان باشد و راویان در هر عصر و زمان این داستان را دهان به دهان بگویند و بیان کنند و این موضوع برهان استواری باشد برای طرفداران و حامیان پیشوای عالی مقام، امام علی (علیه السلام). بدین جهت، پیامبر اکرم را هنگام بازگشت از حج اکبر، مأمور ساخت که امر ولایت

۱. همان، ج ۱، ص ۵۷.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، [بی‌جا]، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۲ ش، ص ۴۲۵.

۳. همان، ص ۴۲۶.

۴. همان، ص ۴۳۰.

۵. همان، ص ۴۴۶.

۶. همان، ص ۴۴۷-۴۵۴؛ جواد سلیمانی، فلسفه تاریخ، ص ۲۶۴.

۷. عبدالحسین امینی، الغدیر، (ترجمه و ویرایش جدید)، ج ۱، ص ۵۷.

علی عليه السلام را در اجتماع مردم ابلاغ کند.^۱ و می‌فرماید: «خدای منان به این مقدار هم اکتفا نفرمود بلکه آیاتی در این خصوص فرو فرستاد تا در هر صبح و شام تلاوت شود و مسلمانان عالم با تلاوت مداوم آن آیات در همه وقت و همه جا متذکر و متوجه این امر باشند و تنها از طریق رشد و سعادت خود را بشناسند و مرجع واقعی و پیشوای حقیقی خود را برای دریافت معالم دین و احکام ائین مبین اسلام بدون تردید تشخیص دهند.»^۲

در اندیشه علامه (ره) همان‌طور که تمام کارهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشیت الهی صورت می‌گرفت، همه چیز در تاریخ نیز تحت مشیت خداوند می‌باشد. برای نمونه می‌فرماید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بیرون کردن شما از مسجد و باقی گذاردن او در مسجد به میل و اراده شخص من نبوده، بلکه این کار به امر خدا انجام یافت.^۳

در قضیه تاریخی غدیر هم علامه (ره) می‌فرماید: مشیت و اراده ذات اقدس باری تعالی بر این تعلق یافت که داستان غدیر پیوسته باقی و برقرار بماند و گذشت زمان آن را کهنه و متروک نسازد و سال و ماه از اهمیت و اثر آن نکاهد.^۴

علامه (ره) می‌فرماید: افعال خدای متعال به سبب اختلاف وجوه حکمت، مختلف است. در مورد قریش، در آن موقع خداوند متعال می‌دانست که گروهی از آن‌ها بعدها اسلام خواهند آورد و یا از صلب آن‌ها افرادی مسلمان به وجود خواهند آمد؛ بنابراین، اگر آن روز با نزول عذاب آن‌ها را نبود می‌ساخت، بامنظور اصلی از بعثت رسول گرامی صلی الله علیه و آله منافات داشت.^۵

همچنین در جای دیگر علامه (ره) می‌فرماید: هدف و مقصود گروهی که شاهد واقعه غدیر خم بودند، اقتضاء می‌کرد که پرده فراموشی بر آن بکشند، همان‌طور که بر اصل موضوع

۱. همان، ص ۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۸۰.

۳. همان، ص ۱۲۴.

۴. همان، ص ۳۸۱.

۵. همان، ص ۴۴۵.

ولایت در غدیر خم کشیدند و به قدری پیرامون ابطال آن جدوجهد کردند که نزدیک بود به هدف و مقصود خود نائل گردند و با اشتباه کاری و توطئه‌های متعصبانه وضع را دگرگون سازند، ولی خدای توانا برخلاف میل بدخواهان و ناسپاسان نور خود را به کمال می‌رساند.^۱

در جای دیگر می‌فرمایند: همه این تعبیرات، حکایت از این دارد که امامت، امری الهی و واگذار به حق و در اختیار خداست و با جهات ظاهری و مسائل صوری ارتباطی ندارد. در قصه ابراهیم و امامتش نیز دیدیم که قضیه از همین قرار بود. داستان‌های قرآنی «داود و سلیمان»، «داود و طالوت» و «موسی و هارون» و آیات دیگر «امامت» و «خلافت» نیز همه، همین را می‌رسانند که انتخاب امام و اختیار خلیفه با خداست.^۲

عوامل مؤثر بر تاریخ

نظریه‌های مختلفی درباره عوامل مؤثر بر تاریخ وجود دارد که شامل عوامل انسانی و غیرانسانی می‌باشد: ۱- دین؛ ۲- نواخ؛ ۳- انباشته شدن دانش؛ ۴- اختراعات؛ ۵- نژادها؛ ۶- شرایط و جبر اقتصادی ۷- عامل جغرافیایی؛ ۸- نظریه فناورانه تاریخ؛ ۹- نظریه اصالت اجتماعی؛ ۱۰- عامل سیاسی؛ ۱۱- نظریه روان‌شناختی؛ ۱۲- نظریه آرمان‌گرایی.^۳

در دیدگاه علامه امینی(ره) نیز برخی از این عوامل در تاریخ تأثیرگذار هست. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تاریخ که بسیار مهم تلقی می‌شود، دین و مذهب است که به نظر ایشان می‌تواند زیربنایی باشد برای امت‌هایی که بدان گرویده و دولت‌هایی که به خاطر آن شکل گرفته و سرانجام، نامی جاودان از آن برجای مانده است.^۴

۱. همان، ص ۴۵۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳. مجید کافی، فلسفه نظری تاریخ، صص ۵۸-۲۸؛ مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ج ۱۵، مجموعه آثار شهید مطهری، صص ۷۴-۴۵.

۴. عبدالحسین امینی، الغدیر (ترجمه و ویرایش جدید)، محمدتقی واحدی، ج ۱، ص ۶۵.

عامل بعدی در نظر ایشان؛ نوابغ، مثل پیامبر ﷺ و دیگران هستند که در تاریخ مؤثر هستند. برای نمونه در مورد واقعه تاریخی غدیر می‌فرماید: «رسول خدا ﷺ از آنجاکه می‌دانست در این سفر خبر بزرگ و مهمی در پیش است، اعلام عمومی داد تا همه افراد و طبقات مسلمان برای انجام مناسک حج از منازل و اوطان خویش بیرون شوند و دسته‌دسته و گروه‌گروه به آن جناب ملحق گردند و سرانجام، با تحقق این امر خطیر، پایه‌های دین حنیف و بنیان آیین مقدس اسلام استوار گردد و مظاهر درخشان آن جلوه‌گر آید و امت اسلامی با صلاح‌اندیشی و هدایت طلبی بر سایر ملل جهان سروری و برتری یابد و جنبش پیروزمندانه این دین، شرق و غرب جهان را فراگیرد.»^۱

عوامل انسانی مانند شعرا، مورخان، محدثان و غیره را نیز بسیار در تاریخ مؤثر می‌داند.^۲ از عوامل انسانی و تأثیر نوابغ در تاریخ، شعر شاعران است که نقش بسیار پررنگی در مباحث تاریخی علامه امینی (ره) دارد. به نظر می‌رسد به خاطر شعرهایی است که در دوران کودکی حفظ کرده‌اند و با مضامین شعری، مبانی اعتقادی در ذهن و قلبشان نقش بسته است. در این باره می‌فرماید: «سزاوار است که در راه ساختن اجتماعی صالح و دعوت مردمان به راه حق و جهانی روحانی از شعر بهره‌برداری شود.»^۳ درباره شاعران می‌فرماید: «آنان پیوسته در پیرامون حضرت بودند و حتی در سفرها از او جدا نمی‌شدند؛ چابک‌سواران جنگی بودند که با شمشیر بران شعر و تیر دل‌دوز نظم، دشمنان اسلام را مفتضح و رسوا می‌کردند و در میدان نبرد، مردانه از حریم اسلام دفاع می‌نمودند.»^۴ نظر به

۱. همان، ص ۸۰

۲. همان، ص ۱۵۵

۳. همان، ج ۲، ص ۱۴

۴. همان، ص ۲۲

همین فواید و تأثیر که بر عامل شعر مترتب بود، شعرای اهل بیت علیهم السلام پیوسته مورد خشم و غضب مخالفین بودند، زیرا مجلس آرائی و مدیحه سرائی آن‌ها بر دشمنان گران می‌آمد.^۱ تأثیر شعر در تاریخ به اندازه‌ای است که علامه(ره) می‌فرماید: علمای بزرگ پیوسته در اعیاد مذهبی، از قبیل روزهای ولادت ائمه علیهم السلام و روز عید غدیر مجالسی تشکیل می‌دادند و در روزهای وفات آنان، شعرا در مجالس گرد می‌آمدند و مرثیه سرائی می‌کردند و بدین وسیله مکتب اهل بیت را احیاء می‌نمودند و دل‌های شنوندگان را از مهر و محبت به این خاندان لبریز و پیوند معنوی مردم را با ایشان محکم می‌ساختند.^۲

عامل مؤثر دیگر در تاریخ، احتجاج است که مانع انحراف در طول تاریخ شده است و توسط ائمه علیهم السلام و دیگران صورت گرفته است. در این زمینه می‌فرماید: «پیوسته واقعه غدیر خم را در هر زمان و مکان بازگو و بدان استدلال و احتجاج می‌فرمودند و با آن بر امامت و وصایت پدران خود اقامه دلیل می‌کردند، همان‌طور که شخص امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در طول دوران زندگی گرامی و شریف خود پیوسته به این امر احتجاج می‌فرمود و شنوندگان این حدیث از صحابه را که در حجه الوداع حضور داشتند، در مجامع عمومی سوگند می‌داد و از آن‌ها بر این امر گواهی می‌طلبید. این اهتمام‌ها همه برای این بوده که تاریخ روشن و خاطره مقدس غدیر، پیوسته تازه و شاداب بماند و باگذشت زمان هیچ‌گاه از یاد نرود.»^۳

نقش انسان در تاریخ

همان‌طور که در عوامل مؤثر بر تاریخ مطرح شد، در دیدگاه علامه امینی(ره) عامل انسانی از عوامل مؤثر بر تاریخ می‌باشد و نوابغ از عوامل انسانی مؤثر در تاریخ می‌باشند.

۱. همان، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۸۱.

نقش نوابغ، مانند پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و دیگران از صحابه، تابعین، مورخین، محدثین، متکلمان، مفسران و... را در تاریخ بسیار مؤثر نشان داده‌اند.^۱

علامه (ره) ۱۱۰ تن از صحابه را معرفی می‌کند که حدیث تاریخی غدیر خم را نقل کرده‌اند که امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در شمار آنان می‌باشند.^۲ زهری روز و زمان و مکان واقعه غدیر خم را نیز مطرح کرده است.^۳ راویان در هر عصر و زمان این داستان را دهان به دهان بگویند و بیان کنند و این موضوع برهان استواری، برای طرفداران و حامیان پیشوای عالی مقام، امام علی علیه السلام می‌باشد.^۴ همچنین علامه (ره) نقش شعرا در تاریخ را بسیار برجسته در کتاب الغدیر نشان می‌دهند.

به نظر علامه (ره)، هوس‌بازان و دنیاطلبان برای نزدیک شدن به مراکز قدرت، دست به جعل تاریخ و پرداختن روایات دروغین زده‌اند که در رستاخیز عذاب موعود را می‌بینند.^۵ اما به نظر ایشان درباره نیات درونی افراد نمی‌توان چیزی گفت؛ زیرا ما را راهی به آن نیست و نهفته‌هایی در آن است که جز خداوند آن را نمی‌داند اما آنچه بر زبانشان روان می‌شود، پرده از آن رازها نیز برمی‌دارد. برای مثال درباره عمر می‌فرماید: «از امام احمد بپرس آیا حق بر زبان عمر جاری بود آن هنگام که سخن تندخو را همچون تازیانه بر چهره پیامبر خدا ﷺ کوفت و از روا شدن فرمان او که دواتی و استخوان شانه گوسفندی خواست تا نوشته‌ای بنگارد و از خود بر جای بگذارد تا پس از او مسلمانان به گمراهی نیفتند، جلوگیری کرد؟ به هر حال، گرچه آن سخن، اندوه‌زا و دردآور بود اما از ساحت مقدس پیامبر خدا ﷺ بس دور است. نه درد بیماری چندان او را از پا می‌اندازد که از سختی آن، پریشان بگوید (به‌ویژه در

۱. همان، ج ۱، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۱۰۶.

۳. همان، ص ۱۱۳.

۴. همان، ص ۷۹.

۵. همان، ج ۹، ص ۷۳.

آنجا که بخواهد پیامی راهنما و نگه‌دارنده از گمراهی را برساند) و نه از سر هوس سخنی می‌گوید و گفتار وی هیچ نیست جز آنچه بدو وحی می‌شود.^۱

از عوامل مؤثر دیگر در تاریخ را روحيات منفي انسان‌ها می‌داند. برای نمونه، یکی از دلایل عدم نقل و اشاعه واقعه تاریخی چون غدیر را کینه دشمنان دانسته است. علت بعدی هم مرگ عده‌ای است که در روز واقعه غدیر حضور داشتند و مرگ مانع از نقل آنان شده است.^۲



۱. همان، ج ۸، ص ۱۳۲.

۲. همان، ص ۱۵۵.

نتیجه‌گیری

در اندیشه علامه امینی(ره) تاریخ موجب قیام در مقابل باطل و دفاع از حق و حقیقت می‌شود که به‌سوی کمال بشری حرکت می‌کند. وی آغاز و منشأ خلقت و تاریخ را الهی و سیر حرکت تاریخ را به‌سوی منشأ الهی و دارای مبدأ و معاد می‌داند. به نظر ایشان مالک حقیقی در جهان خداوند است که تاریخ را تحت مشیت خویش هدایت می‌کند و آنچه را که در تاریخ می‌خواهد بماند عنایت کرده تا همچنان باقی بماند. ایشان دین و مذهب و نواغ را در تاریخ بسیار مؤثر دانسته و همچنین شعر و احتجاج را هم در تاریخ اثرگذار می‌داند. به نظر علامه(ره) انسان‌ها و روحيات منفی آن‌ها در تاریخ تأثیرگذار هست و موجب می‌شود تاریخ در مسیر صحیح خود حرکت کند و یا با جعل، تاریخ از مسیر خود منحرف شود، ولی اراده و مشیت الهی است که درنهایت مسیر حرکت تاریخ و غایت تاریخ را مشخص می‌کند.

فهرست منابع

۱. احمد الامینی النجفی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنه و الأدب، ۱۱ ج، چاپ اول، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۶ ق.
۲. _____، الغدیر (ترجمه، ویرایش قدیم)، محمدتقی واحدی و همکاران، ۲۲ ج، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳. _____، الغدیر (ترجمه، ویرایش جدید)، ۱۱ ج، محمدتقی واحدی و همکاران، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۸۶ ش.
۴. احمد الامینی النجفی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنه و الأدب، ۱۱ ج، چاپ اول، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۶ ق.
۵. ادواردز، پل، فلسفه تاریخ، بهزاد سالکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۶. رابین جورج کالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، علی‌اکبر مهدیان، چاپ اول، تهران، اختران، ۱۳۸۵ ش.
۷. رضوی، سید ابوالفضل، فلسفه انتقادی تاریخ، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۸. سروش، عبدالکریم، فلسفه تاریخ (فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ)، چاپ اول، [بی‌جا]، انتشارات حکمت، ۱۳۵۷ ش.
۹. سلیمانی، جواد، فلسفه تاریخ، چاپ اول، [بی‌جا]، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. سی. بی. ین مکالا، بنیادهای علم تاریخ چیستی و اعتبار شناخت تاریخی، احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. سیدکباری، علیرضا، علامه امینی (مصلح نستوه)، چاپ اول، [بی‌جا]، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۲.
۱۲. کافی، مجید، فلسفه نظری تاریخ (مفاهیم و نظریه‌ها)، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۳. لطفی، مهدی، علامه امینی جرعه نوش غدیر (به‌ضمیمه جرعه‌هایی از الغدیر)، چاپ سوم، قم، انصاری، ۱۳۸۲ ش.
۱۴. مایکل استفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، احمد گل محمدی، چاپ پنجم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، [بی‌جا]، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۲ ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، فلسفه تاریخ، ۱۵ ج، نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۱۷. نوذری، حسینعلی، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. الویری، محسن، پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ، فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۶ سال سوم، بهار ۱۳۹۱.
۱۹. تامس. اس. کوهن، منطق کشف یا روانشناسی پژوهش، غلامرضا نظریان، مجله ذهن، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۳.

۲۰. نرم افزار مجموعه آثار علامه امینی (ره).

۲۱. نرم افزار مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری (ره).

